مطالعات تاریخ اسلام
سال دهم / شمارهٔ ۳۶/ بهار ۱۳۹۷

اروپا و جنگ‌های صلیبی در تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری متئو پاریس: یک تاریخ عمومی اروپایی یا گذار به تاریخ‌نگاری جهانی؟

علی بحرانی‌پور[۱]

چکیده: متئوی پاریس از مورخان انگلیسی قرن ۱۳ میلادی بود که در سنّت تاریخ‌نگاری کلیسایی رشد کرد و سنت وقایع‌نامه‌نویسی را ادامه داد و بنا به داوری محققان آن را به اوج رساند. شاید دلیل آن اوجگیری، وقایع زمانه پرآشوبی بود که در آن از یک‌سو کشاکش قدرت کلیسا و دربار امپراتور فردریک دوم و شاهان انگلستان و فرانسه اروپا را دربرگرفته بود و از سوی دیگر جنگ‌های صلیبی و یورش خانمان برانداز تاتاران جهان را به‌هم ریخته بود. بدین ترتیب وقایع‌نامه‌نویسی نه با مسائل داخلی اروپا که از آن پس با مسائل جهانی رو در رو شده بود. لذا هدف پژوهش حاضر شناسایی روش تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری متئو پاریس با توجه به تحولات جهانی همچون جنگ‌های صلیبی و حمله مغولان است. دستاوردهای تحقیق حاکی از آن است که بینش مورخان اروپایی از جمله متئوی پاریس وسعت جهانی یافت؛ و البته تاحدی از تعصبات مذهبی و ملی داخلی اروپا کاسته شد. قالب وقایع‌نامه‌نویسی نیز تغییر کرد و به ذکر اسناد و نامه‌های مکتوب و رسمی و سبک نگارش و روش سفرنامه‌ها و زیارت‌نامه‌ها متکی شد.

واژه‌های کلیدی: متئوی پاریس، تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگری، جنگ‌های صلیبی، کلیسا، مغولان

---

۱ عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز bahranipour@hotmail.com
تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۰۷ تاریخ تأیید: ۹۶/۰۴/۱۰

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

Europe and Crusade Wars According to *Matthew Paris's* Historiography Method and his Historical approach: A General History of Europe or a Transition to "Global History"?

Ali Bahrani Pour[1]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

Abstract: As a 13th century English historian, *Matthew Paris* was brought up under the ecclesiastic method of historiography; he continued the choreography and researchers believe that Matthew culminated it. Perhaps the reason of this raising was the events of the chaotic times, where the papal church had a conflict with Fredrick II the Roman emperor and the kings of England and France which made Europe turbulent. On the other hand the crusade wars and the Mongol invasions disarranged the world. So the chorography was no more involved in just the internal issues of Europe, but also in dealing with the global issues. Thus, the aim of the research is to understand that regarding the world evolutions, how the *Matthew Paris's* historiography method and his historical approach was. Results of this research indicate that *Matthew's* approach and also some other European historians led to a worldwide point of view, which sometimes reduced their national or religion fanaticism. The format of choreography changed and relied on formal documents such as formal letters, reports, and voyage or pilgrimage accounts.

Keywords: *Matthew Paris*, Historiography method, Historical approach, Crusade wars, Church, Mongols

1 Faculty member for Shahid Chamran University of Ahvaz, bahranipour@hotmail.com

مقدمه: سنت وقایع‌نامه‌نویسی در اروپای قرون وسطی و جایگاه *وقایع‌نامه بزرگ* در آن

اهمیت *وقایع‌نامه بزرگ* نه فقط از آن رو است که اولین نوشته حجیم و جامع اروپاییان در باب تاریخ جهانی به‌شمار می‌رود، بلکه به سبب وقوع جنگ‌های صلیبی و یورش مغول شرق و غرب عالم را در یک تاریخ مشترک دیده و توصیف کرده است؛ اما تاریخی با چنین اهمیت و جامعیتی که از جنس *جامع‌التواریخ* (تاریخ جامع به مثابه تاریخ عمومی جهان) است در مجامع دانشگاهی ایران ناشناخته مانده است، لذا معرفی این اثر شاخص به‌منزله معرفی روندی نو در تاریخ‌نگاری اروپایی قرون وسطی است که در مشرق زمین مشابه‌هایی چون *جامع‌التواریخ* مذکور یا سال‌نامه مشهور چینیِ موسوم به *یوان-شی*[1] دارد.

پیشینه تحقیق در اروپا از چند منظر بررسی شده است که از آن جمله است آثار مغول‌شناسانی چون پیتر جکسون که از دیدگاه مغولان به مغرب زمین نگریسته و اخبار مغولان را از کتاب *متئو پاریس* استخراج کرده و در مجموعه پژوهش‌های تاریخی دانشگاه کمبریج منتشر کرده است.[2] برخی دیگر از محققان نیز بخش‌هایی از تاریخ انگلستان را در قالب تاریخ محلی کنت‌نشین کمبریج اقتباس و بررسی کرده‌اند.[3] اما نوشته حاضر با هدفی متفاوت و عام‌تر به سراغ کتاب مورد بحث رفته است.

هدف نوشته حاضر آن است که با روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و با کمک روش تحلیل محتوا به برداشت‌هایی از نیات مؤلف بپردازد و جنبه‌های مختلف روش تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری مؤلف را مورد بررسی قرار دهد. به این دلیل است که نوشته حاضر رویکرد تصنیفی به خود گرفته است و به یاری شمارش و تحلیل آماری بسامد واژه‌ها و عناوین کتاب و تأویلاتی از درون متن به شناسایی گفتمان حاکم بر آن می‌پردازد. از این رو سؤال پژوهش حاضر آن است که با توجه به تحولات جهانی، تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری متئوی پاریسی را باید در دوره تاریخ‌نگاری اروپایی قرار داد یا باید از منظر تاریخ جهانی بدان نگریست؟ و چرا؟

فرضیه حاکی از آن است که بینش مورخان اروپایی از جمله متئوی پاریس وسعت جهانی یافت و قدم به مرحله نگارش تاریخ جهانی نهاد. البته تاحدی از تعصبات مذهبی و ملی داخلی اروپا کاسته شد. قالب وقایع‌نامه‌نویسی نیز تغییر کرد و به ذکر اسناد و نامه‌های

1 Yuan-shih.
2 Peter Jackson (2001), *Mongols and the West*, Cambridge: Cambridge History.
3 Edmund (1819), *The history of the county of Cambridge,* Cambridge University (online eddition).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

مکتوب و رسمی و سبک نگارش و روش سفرنامه‌ها و زیارت‌نامه‌ها متکی شد. البته بدین منظور ضروری است که روش و سنت وقایع‌نامه نویسی در اروپای زمان تألیف *وقایع‌نامه بزرگ* در محورهای ذیل معرفی و بررسی شود.

سنت وقایع‌نامه‌نگاری در قرون وسطی ریشه در روش تاریخ نویسی یونان و روم باستان داشت. این آثار تا نیمه دوم قرن ۱۲ م. غالباً به زبان لاتین و توسط اهل کلیسا برای دانش‌پژوهان نگاشته می‌شدند؛ اما از سال ۱۱۵۰ م. به بعد وقایع‌نگاران و مورخان وقایع‌نامه‌هایی را به نظم و نثر نگاشتند که مشهورترین آنها به شرح زیر بودند.

در انگلستان تاریخ‌نگاری یکی از تحقیقات معمول راهبان صومعهٔ سنت آلبان بود. متئوی پاریس در ۱۲۱۷ م. سفارش نگارش تاریخ خویش را دریافت کرد. او کتاب *تاریخ* راجر آو وندوور و همچنین کتاب جان دو سلا[1] را بازبینی و تصحیح کرد و اطلاعاتی را بدان افزود. در ادامه همین سنت تاریخ‌نگاری وی *وقایع‌نامه بزرگ*[2] را نگاشت که از مهم‌ترین منابع تاریخ است. اهمیت این منبع برای حدفاصل سال‌های ۱۲۳۵–۱۲۵۹ م. فوق‌العاده است. خاصه آنکه خود تصاویری را در باب برخی موضوعات کتاب ترسیم کرده است که به همان اندازه اهمیت دارند.[3]

وقایع‌نامه‌های زبان و ادبیات فرانسه از حیث تعداد بیشترند. معروف‌ترین وقایع‌نامه‌نگار فرانسوی دوره مورد بحث واس[4] نام داشت که *رمانس بروتوس*، یا *پیروزی برتون‌ها* را در ۱۱۷۰ م. سرود که شامل منظومه‌ای هشت‌هجایی در اصل و نسب و تاریخ برتون‌ها بود. اثر دیگرش *رمانس رو* یا *پیروزی نورمن‌ها* در باب تاریخ قدیم نورمان‌ها در عهد روم باستان و انگلستان است. این اثر در واقع ترجمه‌ای آزاد از *تاریخ شاهان بریتانیا* اثر جفری آو مان ماوث است.

ژرژفروا دو ویلاردوئن (۱۱۵۰–۱۲۱۷ م.) نخستین نویسنده وقایع‌نامه‌های منثور فرانسه و مؤلف *فتح قسطنطنیه* در باب جنگ چهارم صلیبی است. وی گرچه وقایع‌نگار دقیقی بود، اما برخلافِ متئوی پاریس در تفسیر انگیزه‌های شخصیت‌های تاریخی دقیق نبود.

ژان دو ژوئنویل (۱۲۲۴–۱۳۱۷ م.) وقایع‌نگار و مشاور لوئی نهم (سن لوئی) و مؤلف

1 John de Cella.
2 Chronica Majora.
3 Matthew Paris (1872-1881), *Chronica Majora Henry Richards Luard's,* 7 vols., Rolls series (online eddition), vol.1, 21 onwards.
4 Wace.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

زندگی‌نامه سن لوئی بود که منبعی آکنده از شایعات اما مطلع از وقایع دربار فرانسه بود.

ژان فرانسوار (۱۳۳۳–۱۴۱۰م.) بزرگ‌ترین وقایع‌نگار فرانسوی و مؤلف *وقایع‌نامه‌ها* (در چهار جلد) است که درباب تاریخ فرانسه، انگلستان، اسپانیا، برتانی و گاسکونی و فلاندر[۱] و مناطق دیگر بود و هدف از آن بیان فتوحات برجسته لشکریان فرانسه و انگلستان در قرن ۱۴ م. است. در واقع از نظر موضوع بسیار به موضوعات مورد بحث در *وقایع‌نامه بزرگ* متئوی پاریس شبیه و در اصل به‌نوعی در ذیل و حتی رقیب آن به شمار می‌رود. وی همچون متئو اغلب تعصب می‌ورزد و دچار لغزش می‌شود؛ اما برخلاف او که به تفکر و آرمان‌های راهبانه دل بسته بود، به اشرافیت گرایش دارد و علاقه‌مند به توصیف شمشیربازی، مناظر، نبرد، شوالیه‌های زره‌پوش و بانوان زیبا است.[۲]

وقایع‌نامه‌های اسپانیایی از دیگر آثار قابل توجه در این زمینه‌اند. رودریگو خیمنث درادا (۱۱۷۰–۱۲۴۷م.) و لوکاس دو توی (۱۲۴۹م.) وقایع‌نامه‌نگاران اسپانیایی کوشیدند تا رویدادهای ملی و جهانی را به هم بافته و به ترتیب تاریخی پیگیری کنند؛ اما نخستین مورخی که به زبان اسپانیایی وقایع‌نامه‌ای نگاشت آلفونسوی دانا (۱۲۲۶–۱۲۸۴ م.) شاه کاستیل ایئب و شاعر و مورخ بود که *وقایع‌نامه جامع* را به زبان کاستیلی نگاشت که نامش با نام *وقایع‌نامهٔ بزرگ* متئوی پاریس شبیه بوده و هم‌عصر آن است. وقایع کتاب مذکور از طوفان نوح آغاز می‌شود و تاریخ کامل اسپانیا را از روزگار یونانیان و کارتاژی‌ها تا سلطنت فردیناند سوم (۱۲۵۲. م.) پی می‌گیرد؛ اما پر از اغلاط است و تلاشی برای تمییز واقعیت از افسانه نکرده است.[۳]

روش تاریخ‌نگاری متئو پاریس

وقایع‌نامه بزرگ به روش سال‌نگاری و در عین تعهد به تقسیم موضوعی وقایع سال نگاشته شده است که سنت رایجی در تاریخ‌نگاری اروپای قرون وسطی است. متئوی پاریس صاحب قلمی روان و علاقه‌مند به توصیفاتی پرجزئیات و دقیق بود. ظاهراً در سنت تاریخ‌نگاری

1 J.C.H. Blom and Emiel Lamberts (eds.) (1999), *History of the Low Countries: A one-volume history of Belgium and The Netherlands*, Berghahn (online eddition).p. 213.

۲ تراویک باکنر (۱۳۷۳)، *تاریخ ادبیات جهان*، ترجمهٔ عربعلی رضایی، ج۱، تهران: فرزان روز، صص۲۶۹-۲۷۱.

۳ همان، ج۱، صص۲۹۲-۲۹۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

انگلستان اشارهٔ مورخ به شخص خود اندکی رواج داشته است.[۱] مورخ این نگاه را از طریق خود و از زاویه اعتقادات و ارزش‌های خود به اوضاع جهان نشان می‌دهد که او و اثرش را به ورطهٔ خودمحوری کشانده است.

متئو مورخی نبود که به نقل وقایع بسنده کند یا هر روایتی را بپذیرد. بلکه دید انتقادی موشکافانه خویش را حتی با استفاده از نوعی روان‌شناسی و بازجویی انگیزه‌های درونی شخصیت‌های تاریخی برای رفتارهایشان در پیش گرفته بود. مثلاً در نقل نامه‌ای که سخن از استیلای صلیبیان بر قاهره و فسطاط[۲] و ویرانی اسکندریه داشت، این انتقاد را به‌کار گرفته و آن وقایع را انکار کرده است و حتی دلیل شیوع اخبار دروغین و شایعات مربوط به آن را به روشی روان‌شناسانه بررسی کرده است. او می‌نویسد:

> شایعات مذکور دل تمامی مردم مغرب زمین را به‌واسطهٔ اخبار خوش دروغینش شاد و آرام کرده بود. اما در نهایت آشکار گشت که به این دلیل شیوع یافته بود که ذکر آن گرچه بی‌فایده است، اما خود روایتی طولانی است. چرا که در باب تأثیر منفی یک دروغ بر اعتبار مورخی راستگوی گفته‌اند: اگر برکه‌ای را کنی پر گلاب، سگی در وی افتد، کند منجلاب.
>
> با ظهور این فضا و احوال تازه (پیوستن سرداری مسلمان‌الاصل و نومسیحی از سلطان مصر به شاه فرانسه لوئی نهم)، برخی مردم ساده‌دل نامه‌هایی سرّی حاوی این اخبار فرح‌بخش نگاشته، به اروپا فرستادند. چندان که گویی آنچه را که مسلمانان به ایشان وعده داده بودند، به چنگ آورده‌اند و بر آن مسلط شده‌اند. از این رو نامه‌هایی به دوستان خویش فرستادند تا آنان را شاد کنند که حاکی از آن بود که قاهره و فسطاط فتح شده و مسلمانان اسکندریه را تخلیه کردند تا صلیبیان بر آنجا مسلط شوند. این امر منشأ و علت اصلی شیوع شایعات و نامه‌های مذکور بود.

منظور متئو از ذکر این توضیح آن بود که با ذکر این روایت دروغین ممکن است کتاب نگارنده (متئو) که سراسر پر از وسواس حقایق‌نگاری است، به‌کلی آلوده شود و مورد اتهام و شک قرار گیرد. با توجه به روش مؤلف، گرچه کتاب *وقایع‌نامه بزرگ* اغلب مورد ارجاع محققان است، اما برخی پژوهشگران برآن‌اند که این اثر همچون اغلب آثار قرون میانه

۱ متئو باریس (۲۰۰۱)، *التاریخ الکبیر*، ۵جلد، ترجمه و تحقیق، سهیل زکار، ج۲، دمشق: [بی‌نا]، ص۶۳۵.
۲ همان، ج۲، ص۱۱۲۲.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

به‌طور کامل موثق نیست؛ هرچند یکی از مهم‌ترین آن‌ها است.[۱]

خطاهای وی که بسیار نیستند، ناشی از کم‌دقتی یا فاصله بسیار نزدیک وی با حوادث است که مانع از درک درست آنها می‌شود؛ گاه حتی متن سخنرانی‌هایی را از دیگران نقل می‌کند که چندان دقیق نیستند یا خلاصه شده‌اند. هدف وی آن است که احساسات درونی شخصیت‌های روایتش را بیان کند. در مواردی نیز اسنادی را که متن آن را در کتاب خود گنجانده، تفسیر کرده و گاه در این موارد نیز به خطا رفته است (به‌عنوان مثال، تفسیر وی از متن منشور کبیر موسوم به ماگناکارتا).

به‌طور کلی روش تاریخ‌نگاری وی به‌عنوان یک شاهد معاصر با وقایع دوره مورد بحث را باید دقیق و گاه وسواس‌آمیز قلمداد کرد. چندانکه گاه دو روایت از یک حادثه را در دو جای جداگانه ذکر کرده است. با این حال باید اطلاعات مندرج در کتاب را با منابع معاصر تطبیق داد؛ و در مواردی که کتاب متئو تنها منبع حادثه‌ای است باید با احتیاط از آن بهره برد. حال آنکه او به نسبت سایر مورخان انگلیسی آشکارترین تصویر را از دوره خود ارائه کرده است.[۲]

منابع مورد استفاده متئوی پاریس

منابع متئوی پاریس نامه‌ها و گفته‌های شخصیت‌های مهم و مطالبش عمدتاً حاصل مصاحبه‌هایش با شاهدان عینی حوادث بود. منابع اصلی شفاهی وی ریچارد ارل کورنوول و برادر تاجدارش هنری سوم شاه انگلستان بود؛ خاصه آنکه متئو گاه با ایشان ارتباط نزدیکی داشت.

وی در بررسی اسناد و منابع خود دیدی انتقادی دارد. چنانکه وقتی از کذب بودن محتوی برخی اخبار و دعاوی مطرح شده در نامه‌هایی مطلع شد که از سرزمین مقدس به اروپا می‌آمد (مثلاً خبر فتح قاهره و فرار مسلمانان از آنجا)، از آن پس به تشکیک در تمامی نامه‌هایی پرداخت که از سرزمین مقدس می‌رسید.[۳] بنابراین از آن پس این‌گونه نامه‌ها را کمتر در کتاب خود می‌آورد.

متئو در جایی گفته است که برخی سخنان را مستقیماً از شاه شنیده است:

پاپ کوشید هاکو شاه نروژ را به تخت امپراتوری نشانده، وی را جایگزین

1 Jackson, Ibid, p. 58.
2 Luard, Ibid, vol. 1, p. 9 onwards.
۳ باریس، همان، ج۳، ص ۱۱۰۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

فردریک کند. پاپ به منظور آنکه وی را شخص مناسب و لایق‌تری برای آن مذهب معرفی کند، درصدد تقدیس و تاجگذاری وی به‌عنوان شاه برآمد. شاهِ نامبرده در حین تاجگذاری آشکارا اعلام کرد که همواره بر آن بوده است که به نبرد دشمنان کلیسا برخیزد. اما لزوماً علیه دشمنان شخص پاپ اقدامی نکند. این سخنی بود که شاه نامبرده به شخص متئو نگارندهٔ این سطور گفت.[۱]

متئو برای شرح دقیق جنگ‌های منتهی به اسارت لوئی نهم در چنگ ایوبیان مصر از نامه‌های رد و بدل شده و منابع شفاهی استفاده کرده است. چنان‌که می‌نویسد: «به منظور آنکه اطلاع کاملی از جزئیات مربوط به مسائل مذکور ارائه دهیم، در همان باب نامهٔ ذیل را که خطاب به ارل ریچارد است، در کتاب حاضر آورده‌ایم». متن نامه خطاب به ارل ریچارد به شرح زیر است:

خطاب به والاحضرت ریچارد، ارل کورنوول، مشاورش جان و دیگران الی آخر! از آنجا که ذهن بزرگان گاه گرفتار شایعات شده و از آن بابت نگران می‌شود تا زمانی که حقیقت آشکار شود و از نگرانی رهایی یابند، چنین مناسب دیدم که اخباری غمناک و جگرسوز اما آشکار و صادقانه را در باب لشکر فرانسوی به عرض برسانم که شامل گزارش‌های منتشر نشده و مبتنی بر روایات شفاهی و نامه‌های مکتوب است. روایت‌های شفاهی مذکور از زبان یکی از روحانیان مورد اعتماد و صادقِ شخصِ نگارنده است که نامه‌ای به ملکه فرانسه در آن باب نوشته است....[۲]

موضوعات و محدودهٔ زمانی و مکانی کتاب

فضای کلی کتاب متئو پاریس، نشان دادن احوال داخلی اروپا در کوران جنگ‌های صلیبی است. در واقع می‌توان گفت این کتاب روشن‌ترین و مفصل‌ترین وصف از احوال پشت جبههٔ صلیبیان در حین مبارزه با مسلمانان است.[۳]

متئو پاریس گرچه کتاب خود را به تاریخ انگلستان محدود می‌داند و خاصه دربارهٔ تاریخ فرانسه به اختصار صحبت می‌کند که ناشی از تعصبات ضدفرانسوی‌اش نیز هست، چراکه در

---

۱ باریس، همان، ج۳، ص۱۱۹۷.

۲ همان، ج۳، ص۱۱۵۳.

۳ مثلاً برای تبلیغات فرانسیسکن و دومینیکن در جهت حملات صلیبی نک: همان، ج۳، ص ۱۰۶۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

جایی با تفصیل از سفر صلیبی سنت لوئی نهم سخن می‌گوید؛ اما در جایی دیگر ذکر نام متوفیان اشراف‌زادهٔ فرانسوی را امری ملال‌آور و غیرمرتبط با تاریخ انگلستان معرفی کرده است. وی در عمل نوعی تاریخ جهانی نگاشته است.

اطلاعات قابل توجهی از جهان اسلام خاصه از تاریخ سیاسی و نظامی مصر و شام در عهد ایوبیان و ابتدای ممالیک در *وقایع‌نامه* متئو آمده است. او تصویری خصمانه از مسلمانان نشان داده، اما به‌طور مشخص از ذکر نام سلاطین آنان می‌پرهیزد و تنها به ذکر عناوین آن‌ها می‌پردازد. اما قدرت‌های مهم مسلمان که در کتاب وی ظاهر می‌شوند، سلاطین ایوبی (ملک الکامل) تا مملوک (بیبرس) در مصر به‌عنوان دشمنان بزرگ جهان مسیحی و متحدان پنهان فردریک دوم، سلاطین ایوبی شام به‌عنوان وزنه تعادل در برابر سلطان مصر، نیروهای سوارهٔ مزدور خوارزمی به‌عنوان ویرانگرانی بی‌رحم، «حشاشین» (نزاریان) به‌عنوان بازوی ضد امنیتی و پشت پرده سپاهیان مسلمان و گاه به‌عنوان جاسوس و خائن تصویر شده‌اند. گروهی دیگر از مسلمانان که ذکر کمرنگ‌تری از ایشان در *وقایع‌نامه بزرگ* آمده است، امویان اندلس بودند که طی جنگ‌های صلیبی توسط شاهان کاستیل و اراگون از اسپانیا اخراج شدند و اخبارش از طریق نامه‌های رسمی یا توسط مسافران به انگلستان می‌رسید.

بخش قابل توجه دیگری از ملل مشرق زمین که در *وقایع‌نامه بزرگ* به تصویر کشیده شده‌اند، «تاتاران» (مغولان) به‌عنوان موجوداتی انسان‌نما اما وحشی، پرطاقت، بی‌مرگ، غیرقابل درک، در نهایت بی‌رحمی، آدم‌خوار، دلیر، جسور و سریع و جهنمی معرفی شده‌اند که در مدت کوتاهی از تاتاروس (جهنم) خارج شده و مشرق زمین را تا دشت‌های روسیه، هنگری، ارمنستان، گرجستان و اروپای شرقی تصرف نمودند و جهان کاتولیک را تهدید می‌کردند. آنان نامه‌هایی توهین‌آمیز و جسورانه خطاب به پاپ نگاشتند که متئو متن یکی از آنها را پیوست کرده است.

در ذیل *وقایع‌نامه بزرگ* یکی از پیوست‌های این اثر آمده است که شامل وقایع تاریخی است که پس از مدتی وقفه توسط مورخ گمنامی پی گرفته می‌شود و از ۱۲۶۱ تا ۱۲۷۳ م. را شامل می‌شود. تفاوت عمده ذیل با متن اصلی کتاب در ایجاز آن از یک‌سو و توجه بیشتر به سرزمین مقدس (فلسطین) و فعالیت‌های صلیبی لوئی و ادوارد شاهان فرانسه و انگلستان در آنجا است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

کتاب پیوست‌ها[۱] دربرگیرندهٔ نامه‌هایی است که بخشی از آنها در باب فتح دمیاط به دست لوئی نهم و صلیبیان بوده و عمدهٔ نامه‌ها اسناد رسمی متبادله میان دربارهای مغولان و شاهان اروپایی یا نامه‌هایی درباب فتوحات و ویرانگیری‌های ایشان در اروپای شرقی و آسیای غربی است.[۲]

پیوست دوم *وقایع‌نامه بزرگ* شامل راه‌نامه‌هایی از میراث ملل مختلف اروپایی در باب مسیرهای زیارتی سرزمین مقدس، اوصاف جغرافیای فلسطین، اماکن مقدسه مسیحی در آن از زبان جهانگردان و زائران و جغرافیدانان است.[۳]

رئوس کلی مطالب و ملاک‌های تقسیم‌بندی کتاب

متئو پاریس در پایان جلد چهارم و پس از اتمام وقایع سال ۱۲۲۵ م. به سبک مورخان قدیم طی هر یک سال و پس از آن طی هر دورهٔ یک ربع قرنی به جمع‌بندی حوادث پرداخته و کوشیده است روح زمانه و حوادث عمدهٔ هر دوره را استخراج کند و به تاریخ هر دوره هویت و تشخص بخشد.[۴] در همین زمینه در پایان وقایع هر سال نتیجه‌ای از وقایع ارائه می‌دهد که به نوعی می‌کوشد ارتباط میان وقایع را برقرار کند و حتی روح کلی آن سال را دریابد.

چنان‌که ذکر شد متئو در جایی در پایان جلد چهارم، خلاصه‌ای از ربع اول قرن سیزدهم یعنی تا ۱۲۲۵ م. آورده است که گرچه مطوّل است، خلاصه‌ای از آن برای درک موضوعات و خطوط کلی کتاب او راهگشاست:

ذکر پایان یافتن سال و تکمیل شدن یک ربع قرن

«با پایان یافتن همان سال، یعنی سال پربرکت هزار ودویست و بیست و پنج، یک ربع قرن نیز به پایان رسید. شایان ذکر است که در هیچ‌یک از ربع قرن‌های پیشین، حتی در یک سوم سی سال گذشته وقایع شگفت‌آور، غیرعادی و جدیدی مشابه حوادث ربع قرن اخیر روی نداده بود. بسیاری نویسندگان و محققان تاریخ برآن‌اند که در ربع قرن‌های گذشته، هیچگاه

---

1 *Book of Additions*.

۲ باریس، همان، ج۳، صص۱۸۵۵-۱۸۹۳.

۳ همان، ج۳، صص۱۹۱۷-۲۰۲۳.

۴ همان، ج ۳، صص ۱۱۸۱-۱۱۸۶.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

عجایب و حوادث بدیع شگفت‌آوری همچون حوادث ربع قرن اخیر روی نداده بود. همچنین حوادثی بدتر و هولناک‌تر از این نیز تجربه نشده بود.

در ربع قرن اخیر، تاتاران از پناهگاه‌های خویش بیرون جسته، همچون حیواناتی شکاری تباهی را در مشرق‌زمین و سرزمین‌های مسیحیان و کافران (مسلمانان) گستردند.

همچنین امیرالمؤمنین نیرومندترین شاه [مسلمانِ] اسپانیا و افریقا شکست خورد و لشکرش به کلی پراکنده گشت.

هنگامی که استاد الیور در ولایات آلمانی در حال وعظ بود، تمثال مسیح در آسمان چنان ظاهر گشت که همگان آشکارا می‌توانستند آن را ببینند. در همان روزگار کلیسای یونان، سر از اطاعت کلیسای رُم پیچید که دلیل آن تجاوزگری کلیسای رُم، ارتکاب رباخواری، سیمونی‌گری (فروش مناصب روحانی)، جهت‌گیری در برابر عدالت در ازای دریافت رشوه و گناهان دیگری بود که شایستهٔ بی‌اعتنایی و سستی نیست.

شهر مشهورِ مصری دمیاط دوبار به تصرف صلیبیان (لوئی نهم) درآمد و پس از خونریزی‌های بسیار میان مسلمانان و صلیبیان رد و بدل گشت.

انگلستان به مدت هفت سال به حکم تحریم از شراکت با مؤمنین در امور کلیسایی محکوم گشت. مملکت مذکور به همان اندازه نیز گرفتار جنگ‌های داخلی شد. در همان حال [به پاپ] جزیه می‌پرداخت. بنا به پیشگویی‌های برخی، شاه *جان* در هنگام مرگ صاحب هیچ یک از ولایت مملکت خویش نبود. از این رو وی را «بی‌وطن» نامیدند. ...

در سال پایانی ربع قرن اخیر، مسلمانان به پاس ارادهٔ خویش به پیروزی آشکاری دست یافتند و تمامی لشکر صلیبی را تار و مار ساختند که مرکب از اشرافِ سراسر فرانسه، مهمان‌نوازان، پاسداران معبد، شوالیگان فرقهٔ توتونی کلیسای سانتا ماریا، شوالیگان فرقهٔ لعازر (لازاروس) بود. در همان حال لوئی شاه پرهیزگار فرانسه و دو برادرش کنت پواتو و کنت پرووانس به اسارت رفتند. همچنین ویلیام لونگوسپی به همراه جمع کثیری از اشراف انگلستان به دست مسلمانان کشتار شدند. پاپ و دربار رُم تمامی اعتبار و حرمت خویش را در چشم روحانیون و مردم از دست دادند؛ از آنکه صلیبیان را فروختند و نیروهای کمکی‌شان را در ازای پرداخت مبلغی از تعهدات خویش آزاد کردند. چندانکه صلیبیان به اشکال گوناگون معوّق و معطل ماندند.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

در همان روزگار جملهٔ جهان مسیحی و کلیسای جهانی گرفتار آشوب و نابسامانی گشت که علت آن جنگ‌های داخلی و نفرتی بود که ناشی از اختلاف میان پاپ و فردریک بود.

شاه هنری سوم نیز صلیب برگرفت و بسیاری از اشراف مملکت انگلستان، شاهان، امرا، اشراف و اسقفان جهان مسیحیت نیز به تقلید از او چنین کردند. اما تنها سرپرست صومعه‌ای که چنین کرد، سرپرست صومعه سنت ادموند بود که فراموش کرده بود با وجود برسرداشتنِ کلاه راهبانه، نمی‌تواند صلیب برگرفته و متعهد شود که به‌طور دائمی صلیب مسیح را حملَ کند. اما در شرایطی که همگان وی را تمسخر می‌کردند، ریاکارانه و به‌طور تملق‌آمیز آشکاری صلیب را در حضور شاه و ملکه دریافت کرد.

در همان روزگارِ مرگبار، جمع کثیری از اشرافِ مسیحی وطن، زن و فرزند، دوستان و نزدیکان خویش را ترک کردند تا خالصانه در راه مسیح نبرد کنند. اینان جمله آشکارا شهیدانی بودند که چندان بسیارند که ذکر نامشان در این کتاب ممکن نیست. اما نامشان چنان در کتاب زندگان مسطور گشت که هیچ‌کس محو آن را نتواند. زیرا اینان تاج شهادت بر سر نهادند؛ امری که شایستگی آن را داشتند.

از این گذشته، در روز عید سانتا لوسیا، فردریک که از مردانِ شگفتِ جهان بود در آپولیا درگذشت.

آن همه حوادثِ شگفت، جملگی در ربع قرن اخیر روی داد؛ حوادثی بس غریب که کسی چون آن را به چشم ندیده و نشنیده و در کتاب‌های اجداد خویش در روزگاران کهن نخواهد یافت.

***

راهب متئوی پاریس از راهبان صومعه سنت آلبان اکنون از تحریر کتاب تواریخ خویش فراغت یافته است. *کتاب مستطاب تواریخ (وقایع‌نامه بزرگ)* را برای بهره‌گیری نسل‌های آینده و به پاس عشق به پروردگارَ و بزرگداشت سنت آلبان، پیشوای شهیدان انگلستان نگاشته است؛ باشد که ذکر حوادث ویرانگرِ اخیر دستخوش مرور زمان نگشته، به تندباد فراموشی سپرده نشود.

به تاریخ هزار و دویست و پنجاه سال پس از آنکه باکرهٔ پربرکت فرزند خویش را به دنیا

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

آورد، صورتِ اتمام یافت».[۱]

به نظر می‌رسد متئوپاریس در اینجا وقایع‌نامه‌اش را با ذکر انجامه‌ای بـه پایـان رسـانده و کار را برای مدتی پی‌نگرفته است؛ جز آنکه مدتی بعد پشیمان شده و کتاب تکمله را بـه آن افزوده است.

تاریخ‌نگری متئوی پاریس

فضای زمانهٔ متئو و جرقه‌های نهضت اصلاح مذهب

جرقه‌های نهضت اصلاح دینی و مبارزه با فساد در کلیسا که از شعارهایی بود کـه در محافـل روشنفکری اروپای اواخر قرون وسطی شکل می‌گرفت در کتاب و فکر متئو نیز هویداست.

ذکر بیماریِ ادوارد پسرِ مهترِ شاه

«در شامگاه عیدِ سنت متئو، ادوارد فرزند ارشد و وارث شاه به بستر بیماری افتـاد. از ایـن رو شاه به تمامی مقاماتِ مقیم لندن و اطرافش نگاشت تا برای حفظ جان فرزندش، خویشـتن را به دربار برسانند. یکی از کسانی که نامهٔ ویژه‌ای در این باب دریافت کرد، سرپرسـت دیـر سنت آلبان و راهبان آنجا بودند که شاه از ایشان خواسته بـود دعاهـای ویـژهٔ خـویش را بـه فرزندش اختصاص دهند. شاه دستور داده بود که تمامی راهبان آواز مذهبی «توانـا و ماناسـت پروردگار! اوست که مؤمنین را حفظ می‌کند... الی آخر» را به‌طور با شکوهی زمزمه کنند. و نیمه نخست این دعا را به روح سنت آلبان و نیمه دیگـر را بـه جـوانِ بیمـار هدیـه کـرده و اختصاص دهند. در نهایت، به فضل پروردگار جوان نام‌برده تندرستی خـویش را بازیافـت. از آن رو در این باب به تفصیل سخن راندم که شایعه‌ای در آن باب در میان مردم رواج یافت که آنان را چنان شگفت‌زده کرده بود که می‌گفتند: «بنگرید! مردمی غیرروحانی و عادی خداوند را در دعای خویش خطاب قرار داده‌اند، خداوند نیز دعای ایشان را اجابت فرمـود. پـس چـرا این پاپ دعا و عملِ صالح پیشه نکرده، به نفع خویش و ما و کلیسای جهانی دعا نمی‌کند؟ لابد وی بجای این کارها بیشتر شوق مال‌اندوزی و مالیات‌گیری در سر دارد». همچنین کسانی کـه به سخن خویش اطمینان داشتند می‌گفتند که متأسفانه پاپ به خزانه‌های اموال خویش بیشـتر

---

۱ باریس، همان، ج ۳، صص ۱۱۸۱-۱۱۸۷.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

اتکا داشت تا آنکه به خداوند توکل و به دعای وی توسل داشته باشد، صدقاتی بـه مسـیحیان تقدیم کند».[۱]

با این حال متئـو از هـواراداِن متعصـبِ قواعـد رهبانیـت مسـیحی و از مخالفـان راهبـانِ مندیکنت[۲] (نوعی اندیشمندان سکولار) بود. با این حال از سوءاستفاده به نام دیـن و از ضـعفِ غیرت وطنی در شاه انگلستان و بیگانه‌پرستیِ وی بیزار بود.[۳]

تأثیر جهان‌شناسی و جهان‌بینیِ متئو پاریس در تألیف تاریخ جهان

متئو به‌عنوان یک مورخ انگلیسی دیدگاه کمابیش رسمی انگلیسی‌ها نسبت بـه خصـایل ملـیِ ملل و اقوام و تاریخ جهان را عرضه کرده است.

احساسات جدایی طلبـی دینـیِ منـتج بـه تشـکیل کلیسـای انگلیکـان مبتنـی بـر توجـه بـه پرهیزگاری، دوری از فساد مالی و طمع‌کاری کلیسای رومی بود که تنها مالیات را می‌خواست و نه مسیحی بودن اروپا را و مهم‌تر از همه احساسات وطنی شدید انگلیسی در کنابش موج می‌زند و همه‌جا به دفاع از انگلیسی‌ها خاصه ادموند سراسقف کلیسـای کـانتربری و راهبـان انگلیسـی می‌پردازد. اگرچه همه‌جا از بی‌لیاقتی و سوءسیاست‌های شاه انگلستان هنری می‌نالد.

از سوی دیگر همچون یک انگلیسی متعصب ویلزیان را قومی کم‌تمدن معرفـی کـرده و قیـام های استقلال‌خواهانهٔ آنان را شورش‌هایی خیانت‌آمیز معرفی کـرده اسـت. شـاه اسـکاتلند را نیـز مدیون و رعیت برحقِ شاه انگلستان معرفی کرده و شورش وی را به ناسپاسی تعبیر کرده است.[۴]

تصویری که از امپراتور فردریک تصویر شـده اسـت، از یـک سـو او را دارای روابطـی مشکوک با مسلمانان می‌شمارد و از سوی دیگر ضمن همدلی با وی، وی را همچون فرمانده و حتی شبه‌قهرمانی در اروپا و سرزمین مقدس به تصویر می‌کشد که به‌طور مظلومانه‌ای تحـت فشار، ستم و تکفیر پاپ قرار گرفته است. در عین حال او را بـه کفـر و بـی خـدایی و حتـی ضدیت با مسیح و توطئه علیه پاپ متهم می‌کند.[۵] در کتاب متئو، فرانسویان نیز به‌عنوان دشمن

---

۱ همان، ص۹۷۱.

2 Mendicant friars.

3 Edmund Carter (1819), *The history of the county of Cambridge,* Cambridge University (online eddition), p.23.

۴ باریس(۲۰۰۱)، همان، ج۲، صص۶۸۰-۶۸۱.

۵ همان، ج۲، ص۶۷۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

دیرین انگلیسی‌ها، قومی متکبر، ناسپاس و غیرقابل اطمینان ظاهر شده‌اند.[۱]

دیدگاه متئو در باب اسپانیایی‌ها

اسپانیایی‌ها در چشم انگلیسی‌ها فروتر دانسته می‌شدند. با این حال هنری سوم شاه انگلستان دختر شاه اسپانیا را برای پسرش ادوارد خواستگاری کرده بود، امری که اعتراض و سرزنش مردم انگلستان و از جمله متئوی پاریس را برانگیخته است. وی در جای دیگری دربحث از زمانی که هنری به خارج انگلستان رفته بود تا شورشیان گاسکونی و تحریکات اسپانیائیان را سرکوب کند، می‌نویسد:

> [گیلبرت سکریو] به‌عنوان سخنگوی شاه برای تحریک و تحت تأثیر قرار دادن مخاطبانش افزود: شاه انگلستان انتظار داشت که شاه کاستیل از آن پس از نزدیک‌ترین دوستانش باشد. زیرا با وی خویشاوندی سببی کرده بود. اما اندکی بعد آشکار گشت که اساساً چنین نیست. زیرا شاه کاستیل خود را دشمن خونریز نشان داده، شاه انگلستان را به رویارویی فراخوانده و او را تمسخر کرده بود. مردم گاسکونی نیز به وی تمایل یافته، او را تحریک کرده و ترجیح داده از آن شاه اسپانیایی می‌خواستند که سرور و حاکم ایشان باشد. بنابراین شاه انگلستان از شما یاری مؤثری می‌طلبد. زیرا او این چنین در اوضاع اضطراری قرار گرفته است.[۲]

در اینجا لحن کلام به‌گونه‌ای تحقیرآمیز است و اسپانیایی‌ها را فروتر از انگلیسی‌ها نشان می‌دهد. اما گاه پیروزی‌های ایشان در طی جنگ‌های صلیبی علیه مسلمانان را ستوده است.

دیدگاه متئو نسبت به لوئی نهم و فرانسویان

فرانسویان در کتاب متئو به‌عنوان مردمی دمدمی مزاج و سبکسر معرفی شده‌اند. این شاید به دلیل رقابت تاریخی ایشان با انگلیسی‌ها و دشمنی دیرپای موجود بین آن دو بود. به‌عنوان نمونه متئو اوضاع روانی در میان جنگجویان صلیبی فرانسوی را پس از به اسارت رفتن لوئی نهم شاه فرانسه این چنین تحلیل کرده است.

---

۱ همان، ج۲، ص۶۸۱.
۲ همان، ج۲، ص۶۸۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

در باب آنکه ایمان بسیاری [صلیبیان] متزلزل گشت

بدین ترتیب بسیاری که ایمان محکمی نداشتند، به‌تدریج به ناامیدی اعتراف کردند و در آن باب به اعتراض پرداختند. آنان که به سبب گرسنگی رو به مرگ می‌رفتند، متأسفانه بسیاری از آنان ایمان خویش را از دست داده و هر یک دیگری را می‌گفت: «چرا مسیح ما را تنها گذاشته است، حال آنکه در اینجا برای او و همراه او در حال جهاد هستیم؟ چرا در این روزها این همه شکست خورده‌ایم و گرفتار آشوب شده‌ایم؟ چرا دشمنانمان که خود دشمنان مسیح‌اند، برما غلبه یافتند، خون ما را ریخته، اموال ما را دستخوش غارت کرده‌اند؟ چرا ابتدا نیل چنان طغیان کرد که مجبور شدیم دمیاط را تخلیه کنیم؟ حال آنکه آن شهر را به تبعیت ریخته شدن خون‌های بسیار به دست آورده بودیم. از سوی دیگر شوالیه‌های مشهور پاسداران معبد چنان شکست خورده و پراکنده گشتند که پرچمدارشان به اسارت رفته، اعدام شد. چرا چند سال پیشتر با وجود تلاش‌های ارل ریچارد [که قیساریه را تصرف کرده بود] در نزدیکی آن شهر شکست خورد، پس از اندکی خوارزمیان تقریباً تمامی صلیبیان را تکه تکه کرده، تمامی امکان مقدس مسیحی را آلوده کردند؟ چه چیز بدتر از این است که شاه مسیحی پرهیزگار ما که به‌طور معجزه‌آسایی از بیماری و مرگ رهایی یافته بود، اکنون گرفتار خطرات هولناک و آشکاری شده است. چرا تمامی اشراف فرانسه این چنین گرفتار شده‌اند؟ چرا پروردگاری که معمولاً او را به‌عنوان خدای یاریگری می‌نامیم اینگونه به دشمنی ما برخاسته است؟ چرا مسیح بارها از دشمنان خود اینگونه شکست خورده است، ایمان ما در این میانه چه فایده‌ای داشته است. دعاهای روحانیان و صدقاتی که دوستانمان بدان منظور تقدیم کرده‌اند، چه سودی داشته است. آیا معنی‌اش چنین است که شریعت محمد(ص) برتر از شریعت مسیح است؟» بدین‌ترتیب چنان سخنان کفرآمیزی بارها بر زبان مشتی سست ایمان رفته، دورهٔ روزهٔ بزرگ که باید به‌عنوان دورهٔ کیفر و کفاره برگزار می‌شد، اکنون به زمان مناسبی برای توبه مبدل شده بود.[۱]

دیدگاه جبرگرایانهٔ برآمده از روحیه مذهبی متئو پاریس، راهب کلیسای سنت آلبان، این واقعه را به‌عنوان خواست خداوند و با تأیید او تحلیل کرده است. از این رو است که

۱ همان، ج۴، ص۱۰۹۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

می‌نویسد که فرانسویان از خداوند خشمگین گشته، طریق کفر در پیش گرفتند.

متئو و دربار انگلستان

چنانکه پیشتر ذکر شد، متئو مورخ رسمی کلیسای سنت آلبان بود. اما گاه دستوری از دربار دریافت می‌کرد تا واقعه‌ای را به دقت ثبت کند:

در ذکر آنکه شاه مرا دستور داد که تمامی آن مراسم به ثبت برسد

هنگامی که شاه بر تختِ سلطنتی خویش تکیه زده بود، نگارندهٔ این کتاب را در میان جمعیت دیده، مرا نزد خود فراخوانده، دستور داد که در نقطهٔ میانهٔ تخت و کف ساختمان بنشینم. سپس مرا گفت: «آیا تمامی این امور را به چشم دیدی؟ آیا هر آنچه را دیدی در ذهن و خاطر خود حفظ کردی؟ در پاسخش گفتم: آری سرورم! آن امور همگی شایسته حفظ و ثبت است. زیرا مراسم امروز بس نیک بود». شاه چنین افزود: «من تأکید می‌کنم که این حقیقت است که خداوند این واقعه را با عنوان دلیلی برای لطف بیکران خویش [نسبت به ما] و به‌عنوان پیش‌درآمدی برای حوادث نیک بعدی تقدیم کرده و به فضل خویش معجزهٔ امروز را محقق کرده است. این امر در صبح روز بعد محقق (و به دست نگارنده نگاشته) شد. آرزو دارم که شما در این بین شاد شده باشید. از این رو از شما می‌خواهم و شما را فرمان می‌دهم که روایتی آشکار و کامل دربارهٔ این اقدامات نگاشته و به زیبایی برای نیکنامی ما در کتاب خود ثبت کنید تا کسانِ بسیار آن را به یاد داشته باشند؛ تا اجر کسی ضایع نشود و نیز آیندگان از این سود و برتری بهره‌مند شوند». سپس شاه مرا به همراه سه تن از همراهانم به شام دعوت کرد. وی در همان روز دستور داد که تمامی انبوه راهبانی که در آن روز در آنجا حضور داشتند، در سالن غذاخوری صومعه به حسابِ شاه پذیرایی شوند؛ راهبان صومعه وست‌مینیستر و برخی دیگر نیز جزءِ آن جماعت بودند.[۱]

متئو از نگارش برخی مطالب احساس خطر می‌کرد و به نظر می‌رسد که مطلب حاضر را بارها سانسور و تعدیل کرده است. اما در برخی نسخه‌های کتاب یادداشت‌هایی محرمانه و خطرناک دیده می‌شود. از این رو برخی، بخشی از کتاب حاضر را خلاصه‌ای از کتاب

۱ باریس، همان، ج۳، ص۹۷۷.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

مفصل‌تر مؤلف به نام *تاریخ انگلستان*[1] (تألیف در حدود۱۲۳۵م.) می‌دانند. این نشان می‌دهد که برخلاف نظر محققان دهه‌های قبل، متئو به معنای دقیق کلمه مورخ رسمی نبوده است

از سوی دیگر دقت نظر متئو چندان است که حتی از رفتارهای سلبی همچون عدم حضور شاه هنری سوم در دوره‌ای از سلطنت خود در ملأ عام این تحلیل را ارائه کرده است که وی از دست طلبکاران خویش (جمعی تاجران شراب) می‌گریخت تا از درخواستهای طلب‌کارانهٔ آنان در امان باشد.[2]

متئو و کلیسای پاپ

متئو به‌طور کلی در کتاب خود پاپ و در واقع دستگاه پاپی را به سبب فساد مالی، رشوه‌خواری و آزمندی سیری‌ناپذیر در طلب کردن مالیات سرزنش کرده و با دیدگاهی وطن‌پرستانه آشکارا در کتاب خویش بدان تاخته است.[3] وی درباب استاد مارتین نمایندهٔ طمعکارِ پاپ در انگلستان می‌نویسد:

> در همان هنگام استاد مارتین که بارها ذکر وی گذشت، به‌عنوان روحانی [و نمایندهٔ پاپ] با اصرار شدید بی‌وقفه از هر طریق ممکن مشغول گردآوری عوارض و اموال بود تا آن را به پاپ و نزدیکان پاپ بسپارد. باید در باب جسارت و طمع پرآزارش سخن بگویم، اما به احترام کلیسای مقدس رُم شایسته‌تر است که خاموشی گزیده، گوشِ ملتِ خویش را با آن نیازارم و اذهان مسیحیان را با نقل چنین حکایاتی آزرده نسازم.

در این مطلب گرایش‌های وی و شیوهٔ برخوردش با مفاسد کلیسا به تصویر کشیده می‌شود.[4]

متئو پاریس همانند یک راهب قرون وسطایی با تمام خرد و نکته‌سنجی‌اش از تعصبات و خشک‌اندیشی‌های مذهبی زمانه‌اش رهایی نیافته و دربارهٔ دانشمندان دانشگاه پاریس می‌نویسد:

> خداوند تنها از ایمان راستین و استوارِ بندگانش خرسند است؛ و نه از چون و چرای استدلالیان در مسائل لاهوتی. زیرا راه درست‌تر و پرفضیلت‌تر آن است که با سادگی و رفتار بی‌آلایش خویش، استدلالی باشیم نه به وسیلهٔ ابزارهایی که عقل [ناقص] آدمی

---

1 Historia Anglorum.

۲ همان، ج۲، ص۷۱۹.

3 Jackson, Ibid, p. 58.

۴ باریس، همان، ج۲، ص۷۴۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

فراهم می‌آورد. اما اینان خواسته بودند که فراتر از راه راست راهی را برگزینند.[۱]

وی در باب محدودیت‌های سیاسی و یا حتی اخلاقی خود به‌عنوان مورخ می‌نویسد:

سفیران انگلستان رسیده، کوشیدند تا پاپ خشک‌مغز را اندکی منعطف سازند. بدین منظور وی را وعدهٔ رشوه داده، تأکید کردند که دوستان ویژهٔ پاپ در انگلستان (که من مورِّخ اجازهٔ نام ذکر ایشان را ندارم)، شاه را وادار به تغییر رأی کرده‌اند. بنابراین آنان اعلام کردند که به‌زودی ارادهٔ و فرمان‌های پاپ اجرا خواهد شد.[۲]

به‌طور کلی می‌توان او را با توجه به شرایط و مقتضیات زمانش، مورخی اهل نقد و کمابیش آزاداندیش اما با اعتقادات عمیق راهبانه ارزیابی کرد.

متئو و امپراتوری مقدس روم

گرایش کلی متئو نسبت به امپراتور فردریک دوم تعظیم و تبجیل است و گرچه گاه خطاهای وی را در کم‌کاری در یاریِ صلیبیان و حتی روابط مشکوکش با مسلمانان[۳] نیز سرزنش کرده، اما او را برترین قدرتِ سیاسی جهان مسیحی و نهادی پذیرفتنی و مثبت قلمداد کرده است.[۴] اما در هر حال وی اهل احتیاط‌های سیاسیِ زمانه خود نیز بود. او در جایی با توجه به شرایط تکفیر و عزل فردریک توسط پاپ اینوسنت می‌نویسد:

فردریک که اکنون بدنام شده بود و به دلیل معذورات اکنون نمی‌توان او را امپراتور نامید؛ در آن روزگار کوشید که مردم آپولیا، سیسیل و کلبریا به فرزندش هنری از همسر محبوب خویش امپراتریس ایزابلا سوگند وفاداری یاد کنند.[۵]

البته در بسیاری موارد، از این نظر که فردریک دوم به‌عنوان تنها وزنهٔ تعادل در برابر پاپ و عاملی برای مهار قدرت لجام گسیختهٔ او وارد عمل می‌شد، متئو نمی‌توانست در شرح وقایع شادی و هواداری میانه‌روانهٔ خود از پاپ را پنهان بدارد.

---

۱ همان، ج۲، ۵۹۸.

۲ همان، ج۳، ص۹۱۱.

3 J.B. Gillingham (1972), *The kingdom of Germany in the high Middle Ages(900-1200)*, London: The Historical Association(1972), Ibid, p.11.

4 Jackson, Ibid, p. 58.

۵ باریس، ج۳، ص۹۴۷.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

تصویر مشرق زمین و جهان اسلام در *وقایع‌نامه بزرگ*

تصوری که اروپاییان از مشرق زمین در آن روزگار داشتند غالباً شامل فلسطین (سرزمین مقدس) و شهرهای مرزی میان جهان اسلام و جهان مسیحی بود که اوضاع و احوال آن‌ها به‌طور خلاصه چنین بود: بنادر فلسطین از جنوب به شمال شامل غزه، عسقلان، قیساریهٔ شام و نابلس بودند. مناطق فوق بنادری کوچک اما سوق‌الجیشی به شمار می‌رفتند.[۱] مهم‌ترین محل رویارویی مسلمانان با صلیبیان عسقلان بود. نام قدیمی شهر عسقلان «مجدل» بود. آنجا در طول جنگ‌های صلیبی از شهرهای مهم در مرزهای میان دولت‌های صلیبی و مصر در عهد فاطمیان و ایوبیان بود. در سال ۱۰۹۹ م. اندکی پس از محاصرهٔ بیت‌المقدس، نیروهای فاطمی در نبرد عسقلان از فرنگیان شکست خوردند و جنگ اول صلیبی به پایان رسید. تا سال ۱۱۵۳م. مصریان از عسقلان به بیت‌المقدس می‌تاختند و در دهه ۱۱۳۰ م. فولک شاه اورشلیم[۲] سکونتگاه‌هایی را در مرزهای عسقلان ساخت تا مرزهای جنوبی حکومتش را حفظ کند. در سال ۱۱۵۰م. فاطمیان ۵۳ برج آن را مستحکم ساختند. در ۱۱۵۳ م. بالدوین سوم[۳] شاه اورشلیم پس از محاصره‌ای سه‌ماهه آنجا را تصرف کرد و به سلطنت یافا ملحق نمود. ربی بنیامین تودلایی (تطیلی) در سال ۱۱۶۳ م. ۲۰۰۰ نفر یهودی را در آنجا ساکن یافت. در سال ۱۱۸۷ م. صلاح‌الدین ایوبی طی نبرد حطین عسقلان را تصرف کرد. در جنگ سوم صلیبی طبق سیاست زمین سوخته آنجا را به دلیل اهمیت سوق‌الجیشی اش ویران کرد (۱۱۹۱ م) و اگرچه ریچارد اول[۴] آنجا را بازسازی کرد، اما در قرن ۱۳ میلادی همچنان شهری ویران و کم‌اهمیت بود. تا آنکه ریچارد ارل کورنوول[۵] قلعهٔ آنجا را بازسازی کرد (۱۲۴۰–۱۲۴۱م). الصالح ایوبی در سال ۱۲۴۷ م. دوباره آنجا را تصرف کرد. با برآمدن ممالیک در سال ۱۲۷۰ م. دورهٔ جدیدی در حیات شهر آغاز گشت و بیبرس[۶] شهر، بندرگاه و قلعه‌اش را ویران کرد و آنجا خالی از سکنه شد.[۷]

---

۱ ابوالفداء، *مختصر اخبار البشر*، صص ۲۴۸-۲۴۹، ۲۵۵ ، ۲۵۹؛ ابن‌بطوطه (۱۳۷۶)، *سفرنامه*، ترجمهٔ محمد علی موحد، تهران: آگه، ج۱، صص۹۱-۱۵۱.

2 Fulk of Jerusalem.

3 Baldwin III of Jerusalem.

4 Richard I of England.

5 Richard, Earl of Cornwall.

۶ ابن تغری بردی الاتابکی [بی‌تا]، *النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره*، ج۵، القاهره: الموسسة المصریة العامة للتالیف و الترجمه والبطاعة و النشر، ص۲۹۹.

7 Andrew Petersen (2005), *The Towns of Palestine under Muslim Rule AD 600-1600*, BAR International Series 1381. p. 133.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

بدین ترتیب بخش قابل توجهی از مطالب کتاب *وقایع‌نامه بزرگ* و ذیل‌ها و پیوست‌های آن مربوط به مشرق زمین و جهان اسلام است که به‌طور مشخص به جنگ‌های صلیبی، حکومت‌های ایوبی، نیروهای خوارزمی، گاه نزاریانِ شام و از سوی دیگر به حملات نخستین مغولان به روسیه و اروپای شرقی می‌پردازد.

مغولان ۴۲ سال پس از آغاز جهانگشایی خود از مغولستان، چهار پادشاه و ۲۵ شاهزاده (دوک) روسی علاوه بر هانری دوک لهستان و «بلا» شاه هنگری را شکست داده، کشتند. آنان قلمرو شاهزاده‌نشین‌های نمسیا (آلمان)، استیریاو تروسیا، مورافیا و بوهم را تصرف کردند. از دانوب به سمت اروپای شرقی گذشتند. طی نامه راهب جوردن از فرقه فرانسیسکن در منطقه لهستان و دیر پرینگ که به تاریخ ۶۴۰ق/۱۲۴۲م. است، مغولان پس از ویرانی بسیار در دوک‌نشین‌های هفت‌گانهٔ روسیه، بخش اعظم هنگری را تصرف و بسیاری از نقاط لهستان را ویران کردند. آنان به مرزهای بوهم و آلمان رسیدند. به نوشتهٔ یکی از اسقفان مهاجر از هنگری به انگلستان، مغولان در ۶۵۵ق/۱۲۵۷م. از دنیپر گذشتند و به مرزهای هنگری رسیدند. نامه پراضطراب دوک بولون و برابانت به لاندگریف اهل ساکسونی و پالاتاین از ویرانی سراسر روسیه، لهستان تا مرزهای بوهم به سبب ایلغار مغول حکایت دارد.[۱] با وجود این، روبروک می‌نویسد به سبب آنکه دریای خزر را از سه جهت بجز از شمال کوهستان دربر گرفته بود، در زمان وی سفر کردن از شمال خزر به مغولستان و اروپای شرقی و شمالی[۲] بسیار مرسوم بوده است.

در زیر گزیده‌ای از فهرست مرتبط با جهان اسلام و مشرق زمین از وقایع‌نامه مذکور آورده شده است تا در تحلیل بسامد و بودجه‌بندی مطالبش مورد استفاده قرار گیرد.

جدول ۱. مطالب مربوط به مشرق زمین در جلد یکم *وقایع‌نامه بزرگ*

عنوان	صفحه
متنِ نوشته‌ای که دربارهٔ خاستگاه محمد(ص) و دین او به پاپ ارسال شد	۲۴
شرایطی که محمد(ص) در آن رشد کرد	۲۵

۱ باریس، همان، ج۵، صص۱۸۸۶-۱۸۹۴.

2 Rubruck, Ibid, pp.118-9.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

فتح قرطبه و تلاش [فرمانروایان] سبته برای حفظ صلح	۳۲
کشتار یهودیان	۳۴
فراخوان برای جنگی صلیبی	۳۸
پیروزی‌های مسیحیان در اسپانیا	۴۹
غوغای یونانیان [بیزانسیان] علیه کلیسای رومی [ارتدکس] و امپراتور خود	۵۲
بدعت نسطوریان	۶۵
اعزام تئودوریک فرماندهٔ مهمان‌نوازان برای یاری سرزمین مقدس	۷۱
چگونه یونانیان به‌کلی سر از اطاعت کلیسای رم برتافتند	۱۳۵
نامهٔ امپراتور فردریک به ایرل ریچارد دربارهٔ نگرانی‌های وی پیرامون نبرد صلیبی	۱۳۷
درگذشت سلطان پرقدرتِ [ایوبی]	۱۵۲
تاتاران سرزمین‌های شمالی را اشغال می‌کنند	۱۵۳
تنگ شدن محاصره شهر اسپانیایی والنسیا	۱۸۵
بالدوین امپراتور قسطنطنیه با نیروهای مسلح خود در سرزمین‌های یونان [بیزانسی] به لشکرکشی می‌پردازد	۱۸۵
سراسقف انطاکیه دعوی برتری نسبت به پاپ روم را برمی افرازد	۱۸۶
پطرس مسلمان مبلغ هنگفتی را به‌عنوان فدیه به امپراتور تقدیم کرد	۱۹۴
کشتار مسلمانان در اسپانیا	۱۹۸
گردآمدن صلیبیان در لیون	۲۸۵
پاپ صلیبیان را از عزیمت [سرزمین مقدس] باز می‌دارد	۲۸۸
امپراتور صلیبیان را از حرکت باز می‌دارد	۲۹۸
کشتارهای تاتاران	۳۱۰
زیانکاری شاه سرزمین بزرگ کاستیل	۳۱۰
پاپ و کلیسا برای کسب مال از رومیان با بخشش‌نامه‌هایی سوگند صلیبیان را باز می‌خرند	۳۱۷
ایرل سیمون خود را برای عزیمت به اورشلیم آماده می‌کند	۳۱۸
بخشایش و رهایی دادن برخی از صلیبیان در ازای پرداخت مبلغی مال	۳۱۹
کشتار وحشتناک صلیبیان در منطقهٔ دمشق	۳۳۵
امپراطور به سبب بداقبالی صلیبیان اندوهگین شد	۳۳۶
نامهٔ امپراطور دربارهٔ همان مسئله	۳۳۶

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

عزیمت ایرل ریچارد به همراه دیگر اشراف [و لشکرکشی به سوی اورشلیم]	۳۵۵
پاپ ایرل ریچارد را از عزیمت [به سرزمین مقدس] باز می‌دارد	۳۵۷
احوال امپراتور قسطنطنیه	۳۶۵
مسلمانان از طریق قرعه انداختن در پی غیب‌دانی می‌روند	۳۷۳
اخباری مسرت‌بخش از سرزمین مقدس	۳۷۵
آوردن تاج خارِ پروردگار [مسیح از سرزمین مقدس] به فرانسه	۳۸۷
یورش تاتاران	۳۸۸
رنج‌های اسیران صلیبی در سرزمین مقدس	۳۹۰
حرکت برخی اشراف انگلستان به سمت اورشلیم	۴۰۳
شاه فرانسه صلیب و تاج پروردگارمان [مسیح(ع)] را به نمایش عمومی می‌گذارد	۴۰۳

جدول ۲. مطالب مربوط به مشرق زمین در جلد دوم *وقایع‌نامه بزرگ*

عنوان	صفحه
ذکر انتقام هراس‌آوری که تاتاران از مردم کشیدند	۴۲۲
نامه‌ای که در باب این قوم به دوک برابانت نوشته شد	۴۲۲
نامه امپراتور در باب دررسیدنِ مغولان	۴۲۵
ذکر انتشارِ نامهٔ مذکور	۴۲۵
شیوع بدگمانی‌ها و شایعات	۴۳۳
شرارت هولناک جهودان	۴۴۶
در ذکر آنکه چگونه مردم در ازای پرداختِ مبلغی تعهدِ حملِ صلیب را پذیرفتند	۴۴۸
در باب آنکه ارل ریچارد استخوان‌های صلیبیان را به خاک سپرد	۴۶۰
ذکر آزادی اسیران از چنگال مسلمانان و بازگشت ایشان به وطن	۴۸۱
ذکر اختلاف میان مهمان‌نوازان و پاسداران معبد	۴۸۳
در ذکر چگونگی استقبال پادشاه از ارل ریچارد هنگامی که از سرزمین مقدس باز می‌گشت	۴۹۶
ذکر بازگشت ارل آو سالسبری از سرزمین مقدس	۵۰۴
ذکر پیروزی پاسداران معبد بر سرزمین مقدس	۵۱۴
در ذکر خطراتی که ارل ریچارد و همراهان در دریا رو در رو شدند	۵۴۵

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

ذکر خصومت‌های مهمان‌نوازان علیه پاسداران معبد	۵۷۳
نامه‌ای در باب اوضاع سرزمین مقدس	۶۰۶
ذکر موضع‌گیری‌ها در مورد نامهٔ مذکور که [خواستار نیروهای کمکی] بود	۶۰۹
ذکر شکست امپراتور قسطنطنیه و پناه آوردن نزد امپراتور فردریک	۶۱۷
در باب پراکنده شدن [و گریختن] تاتاران به سوی مشرق زمین	۶۱۷
نامهٔ امپراتوردر باب تخلیهٔ اورشلیم از ساکنانش	۶۱۸
روایتی مختصر در باب فاجعهٔ مذکور	۶۲۴
نامهٔ مفصل دیگری از فرماندهٔ مهمان‌نوازان در اورشلیم	۶۲۵
ذکر آنکه امپراتور برای حفظ صلح با کلیسا شخصاً متعهد شد	۶۵۰
نامه‌ای گریه‌آور	۶۵۸
ذکر فرمان‌هایی که برای گشایش در کار سرزمین مقدس و امور [جنگ‌های] صلیبی صادر شد	۷۸۱
ذکر تحریم کلیسایی امپراتور فردریک در مجمع لیون توسط پاپ	۷۷۰
در باب جنگ صلیبی [پیش روی]	۸۰۲
ذکر استیلای مصریان بر شهردمشق	۸۱۶
ذکر اعزام نمایندهٔ پاپ به فرانسه برای تقویت تبلیغات صلیبی	۸۲۰
در باب کیفیت آنکه جمعی از اشراف صلیب برگرفتند	۸۲۲
ذکر [انتشار] شایعه‌ای در باب آنکه مسلمانان برگ‌ها [کاغذ صادراتی] را مسموم کرده‌اند	۸۲۲

جدول ۳. مطالب مربوط به مشرق زمین در جلد سوم *وقایع‌نامه بزرگ*

عنوان	صفحه
در باب آنکه پاسداران معبد و مهمان‌نوازان در آزادی برادران و همرزمان اسیر خویش کوشیدند	۸۵۷
باب آنکه سرزمین مقدس دمی از ستم مصریان بیاسود	۸۷۱
اخبار اندوهباری که از سرزمین مقدس می‌رسید	۸۹۲
نامه‌ای که سلطان مصر به پاپ نگاشت و توسط کاردینالی از عربی به زبان لاتین ترجمه شد.	۸۹۹
در ذکر آن تشکیک‌ها که در باب صحتِ نامهٔ فوق‌الذکر برخاست	۹۰۱
ذکر اعزام گود فروا اسقف کاندیدِ بیت لحم به‌عنوان نمایندهٔ پاپ به اسکاتلند	۹۳۵
در باب آنکه ویلیام لونگوسپی و برخی دیگر اشراف صلیب برگرفتند	۹۶۲

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

ذکر شکست و هلاکتِ خوارزمیان	۹۶۶
در باب آنکه ارل ریچارد مالیاتی از صلیبیان گرفت	۹۶۸
ذکر آوردن بقایایی از خون مسیح به لندن	۹۷۲
در باب آنکه شاه فرانسه دوباره صلیب برگرفت	۹۹۰
در باب آنکه شاه فرانسه برای حمله به سوی سرزمین مقدس به راه افتاد	۱۰۰۹
در باب آنکه سفیرانی از سوی تاتاران به دربار پاپ آمدند	۱۰۲۴
گزارشی دربارهٔ استیلا بر دمیاط	۱۰۶۸
روایتی در باب گرایش شاه تاتاران به مسیحت	۱۰۷۳
در ذکر آنکه شاه به همراه بسیاری از اشراف صلیب برگرفت	۱۰۸۷
در باب یورشی که فرانسویان بر لشکر مسلمانان بردند	۱۰۹۱
در باب شرط‌هایی که سلطان برای صلح مقرر کرد	۱۰۹۱
در ذکر آنکه تعداد کثیری از فرانسویان به ضرب شمشیر یا از گرسنگی درگذشتند	۱۰۹۲
در ذکر آنکه بسیاری فرانسویان راه ارتداد در پیش گرفتند	۱۰۹۳
ذکر مرگ سلطان	۱۰۹۳
در باب آنکه ایمان بسیاری [صلیبیان] متزلزل گشت	۱۰۹۴
ذکر آنکه شاه فرانسه حملاتش را به سمت مشرق‌زمین ادامه داد	۱۱۱۷
ذکر روایات گوناگون در باب استیلای [صلیبیان] بر قاهره	۱۱۲۲
ذکر استیلای صلیبان بر دمیاط	۱۱۲۴
در ذکر آنکه سلطان هدایای بسیاری به صلیبیان بخشید تا با ایشان صلح کند	۱۱۲۸
در ذکر آنکه خیانت سردار نامبرده را به سلطان اعلام کردند	۱۱۲۹
در ذکر آنکه برنارد دو نیمفا اموالی را از صلیبیان استیفا کرد	۱۱۳۲
ذکر گزارش‌های غمباری که از سرزمین مقدس رسید	۱۱۳۲
ذکر سرزنش‌هایی که کنت ارتوی بر مهمان‌نوازان و پاسداران معبد روا داشت	۱۱۳۵
ذکر اختلافات میان ویلیام لونگوسپی و کنت ارتوی	۱۱۳۶
ذکر مقتل ویلیام لونگوسپی	۱۱۳۹
در باب آنکه شاه فرانسه نیروهایش را قوت قلب بخشید	۱۱۴۰
ذکر لشکرکشی شاه به نبردگاه و چشم زخمی که به لشکرش رسید	۱۱۴۱
ذکر قتل عامِ شومِ فرانسویان	۱۱۴۲

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

ذکر اسارتِ شاه فرانسه	۱۱۴۴
در باب والیان دمیاط و ناوگانی که آنجا را ترک کرد	۱۱۴۸
در باب اندوهی که صلیبیان را فراگرفت، هنگامی که خبر کشتار خونین مذکور را دانستند	۱۱۴۹
در ذکر آنکه شاه فرانسه در ازای آزادی خویش دمیاط را به مسلمانان واگذار کرد	۱۱۴۹
در باب آنکه برخی صلیبیان [برخلاف مفادِ صلح‌نامه] در دمیاط گردن زده شدند	۱۱۵۱
در ذکر آنکه شاه فرانسه سلطان را به مبارزه طلبید	
در ذکر آنکه مسلمانان علیه سلطان خویش سر به شورش برداشتند	۱۱۵۲
ذکر خشم فرانسویان به سبب انتشار خبر کشتار هم وطنانشان [صلیبیان]	۱۱۵۸
در ذکر آنکه شاه کاستیل صلیب برگرفت	۱۱۵۹
در ذکر آنکه مسلمانان آمادهٔ محاصرهٔ عکا گشتند	۱۱۶۳
در ذکر آنکه شاه فرانسه دو برادرش را به فرانسه بازگرداند	۱۱۶۳
ذکر پایان یافتن سال و تکمیل شدن یک ربع قرن	۱۱۸۱
ذکر در گرفتن اختلاف میان دو تن از قدرتمندترین سلاطین [مسلمان]	۱۱۹۷
ذکر صبری که شاه فرانسه پیشهٔ خود ساخت	۱۲۰۰
ذکر بازگشتِ برادر شاه از سرزمین مقدس	۱۲۰۰
در ذکر آنکه مسلمانان برخی صلیبیان اسیر را آزاد کردند	۱۲۰۷
ذکر انتشار اخبار درگذشتِ امپراتور فردریک در سرزمین‌های غربی	۱۲۱۱
ذکر استقامت امیرانطاکیه تا سرحد مرگ	۱۲۱۶

جدول ۴. مطالب مربوط به مشرق زمین در جلد چهارم *وقایع‌نامه بزرگ*

عنوان	صفحه
در ذکر آنکه آلفونسو شاه کاستیل نامه‌ای به شاه انگلستان نگاشت	۱۲۲۹
در باب چگونگی آنکه پاپ شاه انگلستان را به زیارت [و جنگ صلیبی در سرزمین مقدس] تشویق کرد	۱۲۷۳
در ذکر آنکه فرانسویان به فرمان شاه خویش برای مذاکره در باب سرزمین مقدس گردن ننهادند	
در باب آنکه شاه انگلستان سوگند یاد کرد که به زیارتی صلیبی در سرزمین مقدس رود	۱۲۸۲
در باب آنکه سلطان مصر از شاه فرانسه تقاضای صلح کرد	۱۲۸۳

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

ذکر کشمکش که میان فرمانده مهمان‌نوازان و شاه در گرفت	۱۳۴۵
ذکر اخباری که برخی ارمنیان در باب تاتاران به همراه آوردند	۱۳۴۷
در باب آنکه سلطان مصر اسیران صلیبی را آزاد کرد	۱۳۴۸
ذکر اخراج یهودیان از مملکت فرانسه	۱۳۷۱
در باب خشونت شدیدی که مسلمانان علیه صلیبیان روا داشتند	۱۴۰۹
در باب آنکه آوازهٔ شاه اسپانیا [به سبب اخراج مسلمانان] در خارج از مملکتش منتشر گشت	۱۴۱۰
ذکر درازدستی‌هایی که مسلمانان مرتکب شدند	۱۴۲۳
در باب آنکه برخی مسلمانان به فرانسه رفتند تا تعمید یابند.	۱۴۳۷
ذکر نفرتی که سیسیلیان از هنری پسر فردریک داشتند	۱۴۴۵
ذکر گرایش رومیان برای ویران ساختن شهر نصرت	۱۴۸۹
ذکر حصار خفه‌کنندهٔ شهر نصرت	۱۴۹۰
در ذکر آنکه در روستاند به جنگی اصلی علیه مانفرد فراخونده شد	۱۵۳۹
ذکر صلح در سرزمین مقدس	۱۵۴۱
در ذکر آنکه اسقف تولدو انگلستان را ترک کرد	۱۵۵۲
ذکر آتش هولناکی که مسجد محمد[ص] را سوزاند	۱۶۵۶
ذکر طغیان و یورش تاتاران اطاعت خواهی ایشان از صلیبیان	۱۶۸۳
در ذکر آنکه تاتاران حشاشین (نزاریان) را نابود ساختند	۱۶۸۴
ذکر حمله[بیبرس] و اشغال عکا و استیلایش بر انطاکیه	۱۸۳۹
ذکر مراجعت لوئی به سرزمین مقدس(۱۲۷۰م)	۱۸۴۳
ذکر عزیمت ادوارد(شاهزاده انگلیس) به سرزمین مقدس(۱۲۷۱م)	۱۸۴۵
ذکر آنکه ادوارد راه عکا را در پیش گرفت	۱۸۴۸

جدول ۵. مطالب مربوط به مشرق زمین در جلد پنجم *وقایع‌نامه بزرگ*

عنوان	صفحه
نامه‌ای در باب فتح دمیاط	۱۸۸۱
اطلاعات بیشتری درباب دمیاط	۱۸۸۱
نامه از خان تاتاران خطاب به شاه فرانسه	۱۸۸۳

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

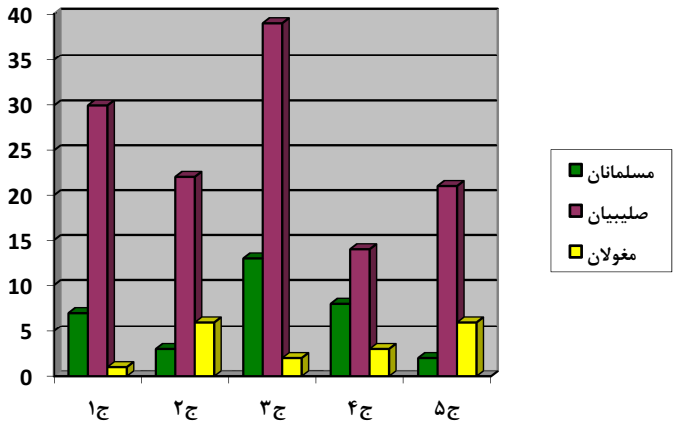
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

نامه‌ای در باب سرزمین مقدس(۱۲۵۲م)	۱۸۸۳
نامه‌ای در باب تاتاران	۱۸۸۶
نامه‌ای دیگر درباب تاتاران	۱۸۸۸
نامه سومی در باب تاتاران	۱۸۸۹
نامه چهارمی در باب همان موضوع	۱۸۹۱
پنجمین نامه در همان باب	۱۸۹۳
اشعاری در مدح صلیبی‌گری، اورشلیم و شوالیگان	۱۸۹۵
نامه پطرس راهب	*۱۹۱۷*
اخبار شاه کنراد و شاه لوئی و جنگ دوم صلیبی	۱۹۱۹
وصف اورشلیم از نگاه برخی زائران غربی	۱۹۲۳
ترتیب و محله‌بندی شهر اورشلیم	۱۹۲۵
راهنامهٔ[زیارتی] اتوبونیان	۱۹۲۸
راهنامه‌ای از یک نویسنده آلمانی	۱۹۳۰
راهنامه‌ای مندرج در کتاب اعمال فرنگیان	۱۹۳۴
درباب موقعیت اورشلیم	۱۹۴۱
شرحی در باب موقعیت اماکن [مقدسه]	۱۹۴۶
گزیده‌هایی از کتاب پطرس شماس	۱۹۸۵
اورشلیم و اماکن مقدس آن	۱۹۸۵
تاج مسیح	۱۹۸۶
وادی شعفاط، جبل الزیتون، بیت عنیا	۱۹۸۷
شهر الخلیل	۱۹۸۷
اریحا و بحر المیت	۱۹۸۷
روایت‌هایی از سفرنامهٔ نیکولا آو بفیرای دانمارکی	۱۹۸۹
راهنامه‌ای ایسلندی	۱۹۹۶
وصف فلسطین و بیت‌المقدس از شریف ادریسی	۱۰۰۰
روایت راهب بیلارد آو اسکولی	۲۰۰۹
راهنامهٔ هفتم	۲۰۰۵
راهنامهٔهشتم	۲۰۲۳

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

چنانکه از عناوین بر می‌آید، دغدغهٔ اصلی مؤلف اروپا است. این دغدغه خود را در چند جنبه نشان می‌دهد. یکی پیروزی‌های صلیبیان در مشرق زمین، دیگر تهدیدهای مسلمانان علیه ایشان و اماکن مقدس مسیحی. بنابراین مداخلات و تهدید نوظهور مغولان از آن جهت اهمیت می‌یابند که طبق اساطیر پرسترژان به‌عنوان یک متحد اسطوره‌ای قدرتمند به نظر آیند. یا آنکه فتوحات ایشان در اروپای شرقی تهدیدی برای مسیحیت و حتی انگلستان پنداشته می‌شد. بررسی فراوانی هریک از موضوعات فوق در قالب یک نمودار می‌تواند به درک دگرگونی و شدت دغدغه‌های اروپاییان در مشرق زمین کمک کند (شکل ۱).



شکل ۱. فراوانی موضوعات در *وقایع‌نامه بزرگ*

دلایل بالا رفتن ستون‌های مربوط به جلد دوم حمله مغول است، در جلد سوم با شرح قدرت‌یابی مسلمانان و اسارت لوئی نهم مطالب مربوط به صلیبیان و مسلمانان اوج می‌گیرد. در جلد چهارم موازنه‌ای در ارائه مطالب در باب قدرت‌های مذکور برقرار می‌شود. اما جلد پنجم غالباً پیوست‌هایی از نامه‌ها و راهنامه‌ها و اسناد صلیبیان است.

نتیجه‌گیری

با توجه به شواهد به‌دست آمده در تحقیق، اگرچه هنوز تعصبات و دشمنی میان مسیحیان و

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

مسلمانان و خرافات ناشی از آن گریبانگیر تاریخ‌نگاری قرون وسطایی بود، اما تاریخ‌نگری متئوی پاریس نسبت به مورخان پیشین از دایره محدود کلیسا و اسقف‌نشین متبوع خود فراتر رفت و وسعت جهانی یافت. بدین معنی که وی دایره توجه خود را فراتر از مرزهای اروپا و مسائل و مناطق مربوط به اروپا (از قبیل سرزمین مقدس) گسترش داد و حتی به مغولان در خاور دور نیز عنایت نمود. این امر معیاری برای «جهانی» دانستن تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری مورخان کم‌نظیری چون متئو پاریس در اواخر قرون وسطی است. البته بالطبع تاحدی از تعصبات مذهبی و ملی داخلی اروپا کاسته شد و توجه متئوی پاریس معطوف به گسترهٔ وسیع‌تری شد. عنصر انتقاد از شاهان و حتی از دستگاه پاپی در تاریخ‌نگاری تقویت شد و تحت تأثیر نهضت اصلاح مذهب قرار گرفت. قالب وقایع‌نامه‌نویسی نیز تغییر کرد و همچنین اطلاعات مربوط به مسلمانان از افسانه‌های واهی به‌تدریج به اطلاعاتی نسبتاً دقیق تغییر یافت. از نظر تاریخ‌نگاری گرچه به سال‌نگاری پایبند ماند، اما به ذکر اسناد و نامه‌های مکتوب و رسمی و سبک نگارش و روش سفرنامه‌ها و زیارت‌نامه‌ها متکی شد. همچنین گزارش‌های مشرق‌زمینیان درباب مغولان در منابع متئوی پاریس به‌کار رفت.

منابع و مآخذ

- ابن‌بطوطه (۱۳۷۶)، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمهٔ محمدعلی موحد، تهران: آگه، چ۶.
- ابن تغری بردی الاتابکی [بی‌تا]، *النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره*، القاهره: الموسسة المصریة العامة للتالیف و الترجمة والبطاعة و النشر.
- ابوالفداء، *اسماعیل بن‌علی* (۱۳۴۹)، *تقویم البلدان*، ترجمهٔ عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- باریس، متی (۲۰۰۱)، *التاریخ الکبیر*، ۵جلد، ترجمه و تحقیق، سهیل زکار، دمشق: [بی‌نا].
- بلوخ، مارک (۱۳۶۳)، *جامعه فئودالی*، ترجمهٔ بهزاد باشی ج۱، تهران: آگاه.
- باکنر، تراویک (۱۳۷۳)، *تاریخ ادبیات جهان*، ترجمهٔ عربعلی رضایی، تهران: فرزان روز.
- دورانت، ویل واریل (۱۳۶۷)، *تاریخ تمدن*، ترجمهٔ ابوالقاسم طاهری، ج۴ (عصر ایمان)، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

- Blom, J. C. H., & Emiel Lamberts (eds.) (1999) *History of the Low Countries: A one-volume history of Belgium and The Netherlands*, Berghahn (online eddition).
- Carter. Edmund (1819), *The history of the county of Cambridge,* Cambridge University

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

(online eddition).
- Gillingham. J.B. (1972), *The kingdom of Germany in the high Middle Ages (900-1200)*, London: The Historical Association.
- Jackson. Peter (2001), *Mongols and the West*, Cambridge: Cambridge History.
- Paris, Matthew (1996), *A life of St Edmund of Canterbury*, ed. and trans. C.H. Lawrence, Oxford (online eddition).
- Paris, Matthew (1872-1881), *Chronica Majora Henry Richards Luard's*, 7 vols., Rolls series (online eddition).
- Paris, Matthew (1983), *La Estoire de Seint Aedward le Rei*, K.Y. Wallace (ed.) Anglo-Norman Text Society (online eddition).
- Petersen, Andrew (2005), *The Towns of Palestine under Muslim Rule AD 600-1600*, BAR International Series 1381.
- Rubruck. William (1960), *The journey William of Rubruck to eastern parts of the World*, ed. And trans. William Woodville Rockhill, London: Hakluyt Society.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.1.9]
[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]